

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۳	فصل اول: نفقه و نیازهای ویژه‌ی زنان
۱۴	بخش اول: مفهوم نفقه، اسباب و انواع آن
۱۴	مبحث اول: مفهوم نفقه
۱۴	گفتار اول: نفقه در لنت
۱۵	گفتار دوم: نفقه در فقه
۱۶	گفتار سوم: نفقه در قانون
۱۶	گفتار چهارم: نفقه در علم حقوق
۱۷	مبحث دوم: اسباب نفقه
۱۷	گفتار اول: زوجیت
۱۷	گفتار دوم: قرابت
۱۸	گفتار سوم: ملکیت
۱۸	مبحث سوم: انواع نفقه
۱۸	گفتار اول: نفقه لنفسه
۱۸	گفتار دوم: نفقه لغيره
۱۸	بخش دوم: مفهوم افراد واجب النفقه و شناسایی آنها
۱۸	مبحث اول: مفهوم افراد واجب النفقه
۲۰	مبحث دوم: شناسایی افراد واجب النفقه
۲۰	گفتار اول: زوجه
۲۱	گفتار دوم: کودکان
۲۱	گفتار سوم: اقارب
۲۲	بخش سوم: فلسفه وجودی نفقه و نیازهای ویژه‌ی زنان
۲۳	مبحث اول: چرایی اجتماعی
۲۳	مبحث دوم: چرایی روانشناختی
۲۳	مبحث سوم: چرایی اقتصادی
۲۴	بخش چهارم: بررسی قلمرو نفقه
۲۴	مبحث اول: قلمرو و اندازه نفقه در فقه امامیه

- ۲۸..... مبحث دوم: قلمرو و اندازه نفقه در حقوق مدنی.....
- بخش پنجم: ماهیت نفقه و نیازهای ویژه‌ی زنان**..... ۲۹
- ۲۹..... مبحث اول: مالکیت.....
- ۳۰..... مبحث دوم: اذن در انتفاع.....
- بخش ششم: نیازهای ویژه جهت نفقه زنان**..... ۳۰
- ۳۱..... مبحث اول: نیازهای سنتی و رایج.....
- ۳۳..... مبحث دوم: نیازهای مدرن و ویژه.....
- ۳۳..... گفتار اول: هزینه‌های درمان و معالجه.....
- ۳۵..... بند اول: نظریات مخالفان.....
- ۴۴..... گفتار دوم: هزینه‌های زایمان.....
- ۴۶..... گفتار سوم: عمل زیبایی.....
- بخش هفتم: ضمانت اجرای حقوقی نفقه زوجه و نحوه اقامه دعاوی نفقه**..... ۴۶
- ۴۷..... مبحث اول: ضمانت اجرای حقوقی نفقه زوجه.....
- ۴۷..... گفتار اول: زوجه‌ی دائم.....
- ۴۷..... بند اول: قانون مدنی.....
- ۵۸..... بند دوم: در قوانین حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ و ۱۳۹۱.....
- ۶۱..... گفتار دوم: زوجه‌ی موقت.....
- ۶۲..... بند اول: الزام به پرداخت.....
- ۶۲..... بند دوم: اجرای شرط انفاق با استفاده از ماده ۱۲۰۵.....
- ۶۳..... بند سوم: الزام به بذل مدت.....
- ۶۵..... مبحث دوم: نحوه‌ی اقامه دعاوی نفقه.....
- ۶۵..... گفتار اول: مدارک لازم.....
- ۶۵..... گفتار دوم: نحوه‌ی تنظیم دادخواست.....

۶۸..... فصل دوم: حضانت.....

- بخش اول: مفهوم حضانت و ماهیت آن**..... ۶۹
- ۶۹..... مبحث اول: مفهوم حضانت.....
- ۶۹..... گفتار اول: مفهوم لغوی.....
- ۶۹..... گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی.....
- ۷۱..... مبحث دوم: ماهیت حضانت.....

۷۳	بخش دوم: حق تقدم حضانت والدين و اسقاط آن
۷۳.....	مبحث اول: حق تقدم حضانت میان والدين.....
۷۴.....	مبحث دوم: اسقاط حق حضانت از سوی والدين.....
۷۵	بخش سوم: توافق زوجين پيرامون واگذاري حق حضانت اطفال و ماهيت آن
۷۵.....	مبحث اول: وضعیت حقوقی توافق زوجین پیرامون حضانت اطفال.....
۷۸.....	مبحث دوم: ماهیت توافق راجع به حضانت.....
۸۱	بخش چهارم: شرايط و موانع اجراي حق حضانت
۸۱.....	مبحث اول: شرایط اجرای حضانت.....
۸۲.....	گفتار اول: حریت.....
۸۲.....	گفتار دوم: عقل.....
۸۳.....	گفتار سوم: اسلام.....
۸۳.....	گفتار چهارم: مقیم بودن.....
۸۴.....	گفتار پنجم: شایستگی اخلاقی.....
۸۴.....	گفتار ششم: سلامت جسمانی.....
۸۵.....	مبحث دوم: موانع اجرای حضانت.....
۸۵.....	گفتار اول : جنون.....
۸۵.....	گفتار دوم: ازدواج زوجه.....
۸۶.....	گفتار سوم : انحطاط اخلاقی و ناتوانی در نگهداری طفل.....
۸۷.....	گفتار چهارم : ابتلا به بیماری های خطرناک.....
۸۷.....	بند یکم : بیماری روانی.....
۸۸.....	بند دوم : بیماری مسری.....
۸۹.....	گفتار پنجم : کفر.....
۸۹.....	گفتار ششم : موارد نیازمند ارزیابی دادگاه.....
۹۰	بخش پنجم: نحوه اقامه‌ی دعوای حضانت و آرای قضایی پيرامون آن
۹۰.....	مبحث اول: نحوه اقامه‌ی دعوای حضانت.....
۹۰.....	گفتار اول: آیین رسیدگی به دعوای حضانت.....
۹۰.....	بند اول: دادگاه صالح برای رسیدگی به حضانت.....
۹۳.....	بند دوم: مدارک لازم برای رسیدگی به حضانت.....
۹۴.....	گفتار دوم: نمونه دادخواست دعوای حضانت.....
۹۶.....	مبحث دوم: رویه قضایی راجع به حضانت.....

فصل سوم: فرزندخواندگی ۱۰۷

بخش اول: مفهوم و پیشینه تاریخی فرزندخواندگی ۱۰۸

مبحث اول: مفهوم فرزندخواندگی ۱۰۸

گفتار اول: مفهوم لغوی ۱۰۸

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی ۱۰۸

مبحث دوم: پیشینه تاریخی فرزندخواندگی ۱۰۹

بخش دوم: شرایط سرپرستان و فرزندخوانده ۱۱۰

مبحث اول: شرایط سرپرستان ۱۱۰

گفتار اول: تابعیت یا هویت ایرانی ۱۱۱

گفتار دوم: برخورداری از سن کافی ۱۱۲

گفتار سوم: صلاحیت اخلاقی سرپرست ۱۱۳

گفتار چهارم: تمکن مالی سرپرست ۱۱۳

گفتار پنجم: مبتلا نبودن سرپرست‌ها به بیماری‌های واگیردار یا صعب‌العلاج ۱۱۵

گفتار ششم: نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مواد روانگردان و الکل ۱۱۵

گفتار هفتم: تقید به انجام واجبات و ترک محرمات ۱۱۵

گفتار هشتم: عدم حجر ۱۱۵

گفتار نهم: عدم محکومیت جزائی موثر ۱۱۶

گفتار دهم: اعتقاد به یکی از ادیان مصرح در قانون اساسی ۱۱۶

مبحث دوم: شرایط کودک یا نوجوان ۱۱۶

گفتار اول: سن لازم ۱۱۷

گفتار دوم: عدم بلوغ ۱۱۷

گفتار سوم: عدم رشد ۱۱۸

بخش سوم: آثار سرپرستی ۱۱۸

مبحث اول: آثار مالی ۱۱۹

گفتار اول: نفقه ۱۱۹

گفتار دوم: توارث ۱۲۰

مبحث دوم: آثار غیر مالی ۱۲۱

گفتار اول: حضانت ۱۲۱

گفتار دوم: احترام ۱۲۳

گفتار سوم: تسری نام خانوادگی ۱۲۳

گفتار چهارم: ولایت ۱۲۴

گفتار پنجم: محرمیت	۱۲۵
بخش چهارم: آیین رسیدگی به تقاضای سرپرستی، نمونه دادخواست و مدارک لازم.....	۱۲۸
مبحث اول: آیین رسیدگی به تقاضای سرپرستی.....	۱۲۸
مبحث دوم: نمونه دادخواست سرپرستی و مدارک لازم.....	۱۳۰
گفتار اول: نمونه دادخواست.....	۱۳۰
گفتار دوم: مدارک لازم	۱۳۱
فهرست منابع.....	۱۳۳

یکی از شاخه‌های مهم و تاثیرگذار در عالم حقوق، شاخه‌ای است که از مسایل خانواده و حقوق مرتبط با آن بحث و گفتگو به عمل می‌آورد. این شاخه دارای تنوع زیادی بوده و انواع مختلفی از حقوق افراد خانواده اعم از زوجین و فرزندان را تحت پوشش قرار می‌دهد. در اهمیت نهاد خانواده باید بیان نمود که آنچه در یک جامعه سنگ بنای شخصیت افراد را می‌سازد بلاشک نهاد خانواده می‌باشد که نقشی سازنده در اعتلای هر جامعه‌ای همسو با آرمانهای اعتقادی و فرهنگی آن جامعه دارد. در واقع خانواده مهمترین نهاد اجتماعی و هسته‌ی تشکیل دهنده اجتماع محسوب می‌شود. اهمیت خانواده و حفظ بنیان آن بر کسی پوشیده نمی‌باشد. بنای شکل‌گیری هویت و شخصیت افراد و رشد و تعالی آنان در خانواده گذاشته می‌شود و تاثیر گذاری هیچ یک از نهادهای دیگر اجتماع نمی‌تواند نقش اساسی و تعیین کننده خانواده بر دیدگاه‌ها و جهت‌گیریهای زندگی افراد را انکار نماید. ویژگی خاص خانواده بدان جهت است که نهادی فراتر از یک سازمان حقوقی و پایه‌ریزی شده بر اساس عواطف و ارزشهای اخلاقی می‌باشد از این رو نقش و نفوذ هنجارهای اخلاقی در خانواده بسیار چشمگیرتر از قواعد خشک و انعطاف پذیر حقوقی می‌باشد.

لازم به ذکر است حقوق خانواده، شرایط تشکیل خانواده و انحلال آن، روابط زوجین باهم و روابط آنها با فرزندان را مورد بحث قرار می‌دهد و ضمانتهای اجرایی برای حقوق و تکالیف زن و شوهر و فرزندان تعیین میکند. بنابراین نقش قواعد حقوقی را در تنظیم روابط خانوادگی نمی‌توان نادیده انگاشت. همچنین در دین اسلام نیز حقوق و تکالیف متقابلی برای یکایک افراد بشر در تمام حیطه‌های زندگی وضع گردیده و در بعد حقوق خانواده و تعامل همسری نیز دین اسلام شان و جایگاه ویژه‌ای برای نهاد خانواده قائل شده و اهمیت خانواده و حفظ بنیان آن از نظر اسلام بر کسی پوشیده نمی‌باشد. از سویی دیگر شارع مقدس بر امر نکاح صحیح، آثار و حقوقی برای زوجین وضع نموده و دستوراتی صادر فرموده و در هر موردی که حقی

برای کسی قائل شده، ناچار تکلیفی برای دیگری یا دیگران ایجاد نموده است. از این روی حقوقی خاص زوج، حقوقی مخصوص زوجه و حقوقی هم مشترک بین هر دو قرار داده که به تبع آن تکالیف و وظایفی را متوجه هر یک می‌نماید. نص صریح قرآن کریم است که در آیه ۲۲۸ سوره بقره می‌گوید: "الهن مثل الذی علیهن بالمعروف" یعنی حقوقی برای زنان بر مردان است مثل آنچه برای مردان بر عهده زنان از تکالیف می‌باشد.

از سوی دیگر امروزه، یکی از علل مهم فروپاشی خانواده‌ها بی‌اطلاعی از وظایف و حقوق متقابل زوجین و سستی در ادای آن‌هاست. از این رو، تقویت نهاد مقدّس خانواده، جز با شناخت و ادای حقوق و تکالیف اعضای آن محقق نخواهد شد. حقوق موجود در روابط خانوادگی شامل دو دسته‌ی حقوق مالی و حقوق غیرمالی است که چنانچه زوجین در روابط خانوادگی خود آن‌ها را نادیده انگارند یا نسبت به ادای آنها سستی ورزند عواقب ناگواری در وهله‌ی اول برای بنیان خانواده و در وهله‌ی دوم برای جامعه در پی دارد که منجر به بروز اختلافات خانوادگی و اقامه‌ی دعاوی متعدد و متنوع خانوادگی در دادگاهها و نتیجتاً افزایش روند صعودی ارجاع پرونده به دادگستری و درگیر شدن سیستم قضائی با این قبیل دعاوی خانوادگی که از تنوع بسیاری برخوردارند می‌گردد و هزینه‌های مادی و معنوی گزافی را به خانواده و اجتماع تحمیل می‌نماید. با این حال چه بخواهیم و چه نخواهیم افراد خانواده علاوه بر آنکه نیاز دارند به حقوق خود در قبال یکدیگر در چارچوب زندگی خانوادگی و زناشویی آگاه گردند همچنین باید به شیوه و نحوه اقامه‌ی دعاوی خانوادگی نیز تا حد ممکن آشنایی پیدا نمایند تا در موارد لزوم بهتر بتوانند در صدد احقاق حقوق قانونی خود برآیند.

با این توضیحات جا دارد اشاره شود که در این کتاب که در ادامه‌ی جلد اول با عنوان «نحوه اقامه دعاوی خانوادگی در مراجع قضایی» نگاشته شده تمامی تلاش ما بر این بوده است تا نگاهی جدید و در خور به نحوه اقامه دعاوی خانوادگی داشته باشیم و مواردی مهم و کاربردی را که در جلد پیشین به آن نپرداخته بودیم مورد بررسی قرار دهیم .

فصل اول:

نقده و نیازهای ویژه زنان



بخش اول: مفهوم نفقه، اسباب و انواع آن

این بخش همانطور که از عنوانش بر می آید شامل ۳ مبحث می باشد.

مبحث اول: مفهوم نفقه

برای آشنایی بهتر با مفهوم نفقه در ابتدای امر باید با واژه نفقه که امروزه به صورت متداول استعمال می شود آشنا شد که در این قسمت نفقه را از چند منظر از جمله در لغت، فقه، قانون و حقوق مورد بررسی قرار می دهیم. در نتیجه این مبحث شامل ۴ گفتار است.

گفتار اول: نفقه در لغت

نفقه از ریشه (ن-ف-ق) و به معنای تلف شدن، هزینه، خرج، خرجی است و درباره مال به معنی خرج شدن به کار می رود. نفقه اسمی از مصدر انفاق است به معنای چیزی که از مال خرج می شود.^۱ در فرهنگ فارسی معین نفقه به هزینه زندگی زن و فرزند و آنچه انفاق کنند، معنا شده است و همچنین در لغت نامه دهخدا به معنای هزینه، جراف خرج، اخراجات و خرج هر روزه معنا شده است. واژه نفقه در تاریخ بیهقی اینگونه بیان شده است: «گرمائی لخت و تنگی نفقه و علت نا یافت و ستوران لاغر و مردم روزه».

کلمه نفقه با توجه به کاربرد بسیار در علم حقوق به صورت اصطلاح در آمده است و به معنای مایحتاج افراد واجب النفقه از مسکن، سکونت، غذا و ... تعبیر می شود.

همانطور که بیان شد تعاریف مختلفی از نفقه بیان شده است در تعریفی دیگر آمده است: آن چیزی که برای خود و عیالت هزینه کنی.^۲

همچنین، دکتر لنگرودی بیان داشته اند «انفاق به معنی صرف کردن است و نفقه اسمی است از انفاق. در اصطلاحات حقوق مدنی عبارت است از صرف هزینه خوراک و پوشاک و اثاث خانه و جامه به

۱. ویشته، عباس، نگاهی حقوقی به تأمین نفقه در پیشگیری از طلاق، مجله: مطالعات راهبردی زنان، شماره ۴۳، بهار ۱۳۸۸، ص ۸.

۲. فراهیدی، خلیل ابن احمد، العین، موسسه دارالهجره، ۱۴۱۰ هجری قمری، ج ۵، ص ۱۷۷.

قدر رفع حاجت و توانائی انفاق کننده(در مورد نفقه اقارب) و خوراک و پوشاک و مسکن و اثاث خانه و خادم در حدود مناسب عرفی یا وضع زوجه(در مورد نفقه زوجه)^۱ در لغت عرب هم نفقه اسمی از باب افعال است و در دو معنا استعمال بیشتری دارد: یکی خروج، رفتن و مستهلک شدن و دیگری شیوع و رواج پیدا کردن، نفقه زوجه از ریشه خروج و خرج کردن و مستهلک شدن است. برخی از لغت شناسان نفقه را به معنای « ما نیفقه النسان علی عیاله» دانسته اند، اما این معنای اصطلاحی نفقه است نه معنای لغوی آن.

گفتار دوم: نفقه در فقه

در فقه نفقه کمتر به صورت لغوی تعریف شده است و تعریف از نفقه به صورت مصداقی و همراه با ذکر مصداق نفقه می‌باشد. در فقه نفقه به صورت تعریفی در برابر تمکین قرار گرفته است و آن را وظیفه مرد در قبال تمکین عام و به خصوص خاص معرفی نموده‌اند.

در این خصوص در بین فقها اختلاف نظری وجود ندارد و بیشتر اختلاف آن‌ها در مصداق نفقه می‌باشد، مثلاً برخی فقهای قدیمی بر این عقیده بودند که مخارج درمان و داروی زن در حالت مرضی جزء نفقه نیست اما فقهای جدید غالباً این موارد را جزء نفقه می‌دانند.^۲

فقهایی از جمله یحیی بن سعید حلّی، علامه حلّی، میرزای قمی نظر دارند که نفقه ایام سلامت بر عهده زوج است و نفقه ایام بیماری و هزینه دارو بر عهده شوهر نیست. اما صاحب جواهر ملاک را در پرداخت نفقه، ضرورت بیان کرده است و تفاوتی در سلامت و بیماری قائل نشده است.

فقهایی از جمله امام خمینی (ره)، نوری همدانی، منتظری تحت تاثیر نظر صاحب جواهر مسائل درمانی را جزء نفقه ذکر کرده‌اند و یا اینکه نفقه را به صورت تمثیلی بیان کرده‌اند و از ذکر مصداق و محدود کردن آن اجتناب کرده‌اند.

به نظر می‌رسد مفهوم نفقه یک مفهوم کاملاً عرفی است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار کرده است که عنصر زمان و مکان در آن نقش تعیین کننده دارد. قرآن کریم هم آن را تأیید می‌کند زیرا تمام آیاتی که مسئله نفقه را مطرح می‌کنند آن را احاله به عرف داده‌اند.^۳

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۹۲، ص ۱۸۱

۲. ویسته، عباس، منبع پیشین، ص ۹

۳. پورعبدالله، کبری، مبانی فقهی نفقه و آثار حقوقی ناشی از آن، مجله ندای صادق، ۱۳۹۰، ص ۳۴

پس در فقه تعریفی برای نفقه نیامده است و بیشتر به تعیین مصداق نفقه بسنده شده است و نفقه را بیشتر به عرف واگذار کرده است. اما به طور کلی مفهوم لغوی و فقهی نفقه با یکدیگر کاملاً سنخیت دارد که عرف دخالت اصلی در آن دارد و ایهام در مصادیق اختلافی در اصل قضیه بوجود نمی‌آورد.

گفتار سوم: نفقه در قانون

در قانون، قانون‌گذار تعریفی از نفقه مطرح نکرده است بلکه فقط ذکر مصادیقی از نفقه را در ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی ارائه داده است. در ماده ۱۱۰۷ قانون ق.م. تا قبل از اصلاحیه سال ۱۳۸۱ در تعریف نفقه آمده بود که «نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا» که جنبه‌ی حصری مصادیق نفقه را به ذهن متبادر می‌کرد و اینگونه وانمود می‌کرد که نفقه همین چند مورد است و محدود در موارد مذکور در ماده است. اما این ماده در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۹ اصلاح و به صورت ذیل در آمد:

«نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض». با توجه به عبارات «همه نیازهای...» و «از قبیل...» در می‌یابیم که قانون‌گذار دایره شمول نفقه را وسعت بخشیده است و نیازهای جدید را هم مشمول آن دانسته است و تعریف نفقه را با تعیین مصادیق حصری و محدود به مصادیق تمثیلی تبدیل کرده است. پس تعریف دقیق در قانون به عمل نیامده و بیشتر با تعیین مصداق به صورت تمثیلی، نفقه تعریف شده است.

گفتار چهارم: نفقه در علم حقوق

از نظر حقوقی تعاریف گوناگونی بیان شده است، عده‌ای در تعریف جامعی از نفقه گفته‌اند: «نفقه تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است»^۱

دکتر امامی در تعریف نفقه می‌گوید: «هر آنچه که زن بدان محتاج می‌باشد، از خوراک، پوشاک، منزل، مستخدم، هزینه نظافت، آرایش در حدود عادات و رسوم زنان هم ردیف او در آن شهر»^۱

به نظر عده‌ای دیگر اینگونه تعریف شده است «در تامین مخارج ضروری خود یا افرادی که تحت تکفل شخص بوده و شخص قانوناً ملزم به رعایت پرداخت آن باشد»^۱.

مبحث دوم: اسباب نفقه

سبب وجوب نفقه که اختلافی در آن بین حقوقدانان و فقها وجود ندارد به سه دسته تقسیم می‌شود: زوجیت، خویشاوندی و قرابت، ملکیت.

گفتار اول: زوجیت

یکی از اسباب نفقه و شرط لازم برای انفاق می‌باشد اما شرط کافی نیست و زوجه به شرط تمکین از زوج مستحق نفقه است و طبق متون فقهی زن ناشزه و زنی که بالغ نشده و استمتاع به جماع با او جایز نیست مستحق نفقه نمی‌باشد. زوجیت به عنوان یکی از اسباب نفقه زوجه در ماده ۱۱۰۶ به بعد قانون مدنی بیان شده است و از شروط استحقاق نفقه به زوجه دائمی بودن نکاح، تمکین از شوهر می‌باشد.

گفتار دوم: قرابت

از اسباب دیگر انفاق، خویشاوندی می‌باشد. در متون فقهی نفقه متقابلاً نفقه پدر و مادر و نفقه فرزند واجب است یعنی اولاد باید نفقه پدر و مادر هر قدر که بالا رود (پدر پدر، مادر مادر) را بپردازند و والدین هم می‌بایست نفقه اولاد هر قدر که پایین رود را پرداخت نمایند. اما نفقه سایر خویشاوندان مستحب است و این استحباب در مورد خویشاوندانی که از انسان ارث می‌برند بیشتر است. قانون مدنی از ماده ۱۱۹۶ به بعد به نفقه اقارب پرداخته است و تمکن مالی را برخلاف نفقه زوجه به تبعیت از فقه از شروط انفاق به افراد واجب النفقه دانسته است. همچنین زوجه مستحق دریافت نفقه ایام گذشته می‌باشد. اما این امتیاز را برای نفقه اقارب قائل نشده است. مضافاً اینکه نفقه زن از طلب‌های ممتاز شمرده شده است و حق برتری در پرداخت برای آن قائل شده است.

۱. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۵۰۶

۲. نورری، رضا، حقوق خانواده در حقوق مدنی، نشر پازنگ، ۱۳۷۹، ص ۴۱

گفتار سوم: ملکیت

مورد سوم در قانون به دلیل منسوخ بودن و از بین رفتن نهاد برده داری ذکر نشده است و بیشتر در متون فقهی باید به جستجوی آن پرداخت. تامین هزینه مملوک و چهار پا واجب است. اگر مملوک کسب و کاری داشته باشد مولی می‌تواند او را به خودش واگذارد، در صورت خودداری مالک از تامین هزینه مملوک، مالک مجبور می‌شود یا نفقه او را بپردازد یا آن را بفروشد.^۱

مبحث سوم: انواع نفقه

به طور کلی نفقه دونوع است.

گفتار اول: نفقه لفسه

نفقه‌ای که واجب است انسان برای خودش خرج کند تا بتواند به زندگی مادی اش ادامه دهد واصطلاحاً به آن لفسه می‌گویند.

گفتار دوم: نفقه لغیره

نفقه‌ای که برانسان واجب است تا برای زندگی دیگران خرج کند واصطلاحاً به آن لغیره می‌گویند واسباب وجوب آن همان است که پیشتر گفتیم. درفقه وحقوق اسلامی براساس ماهیت واحکام متفاوت، اطلاق نفقه برنوع اول متداول نیست ومعمولاً لفظ نفقه همیشه برنفقه لغیره دلالت می‌کند.

بخش دوم: مفهوم افراد واجب النفقه و شناسایی آنها

مبحث اول: مفهوم افراد واجب النفقه

مراد از افراد واجب النفقه در بحث نفقه اقارب، اقارب نسبی در خط عمودی اعم از سعودی یا نزولی است که احکام آن در مواد ۱۱۹۶ الی ق.م. ۱۲۰۶ بیان شده است. ماده ۱۱۹۶ ق.م. مقرر می‌دارد: «در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از سعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.»

۱. شهیداول، لمعه دمشقیه، ترجمه: شیروانی، علی، قم، انتشارات دارالفکر، ص ۱۲۷

ماده ۱۲۰۰ ق.م.مقرر می‌دارد: نفقه ابویین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است. اشخاص واجب‌النفقه در این مواد منحصر به زوجه، اولاد، نوه‌ها، اجداد پدری و مادری می‌باشند که در این خصوص برخی آیات شریفه قرآنی نیز وارد شده است: سوره طلاق، آیه ۶: افراد توانمند باید از توان خود انفاق کنند. سوره بقره آیه ۲۳۳ «... بر پدر کودک است تهیه خوراک و پوشاک او و به کسی جز به اندازه توانائیش تکلیف نشده.»

لازم به توضیح است نفقه سایر اقربا و مستمندان واجب نیست اما بر استحباب آن تأکید شده است. در قانون مدنی در ماده ۱۱۹۹ تکلیف نفقه اولاد را به عهده پدر گذارده و بیان داشته که پس از فوت پدر یا عدم قدرت او بر انفاق بر عهده اجداد پدری است. البته با رعایت الاقرب فالاقرب. در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه اولاد به عهده مادر است. هرگاه مادر هم زنده نباشد و یا قادر به انفاق نباشد با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اجداد و جدات مادری و جدات پدری واجب‌النفقه است و اگر چند نفر از اجداد و جدات مزبور از حیث درجه اقریبیت مساوی باشند، نفقه را باید به حصه مساوی تأدیه کنند. پس در قانون مدنی انفاق کننده به اولاد به چهار طبقه تقسیم می‌شوند:

۱- پدر ۲- اجداد پدری ۳- مادر ۴- جدات (مادری و پدری)

درباره نفقه اولاد علاوه بر ماده ۱۱۹۹ ق.م.ماده ۱۲ آئین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده را نیز داریم که به بررسی هر دو می‌پردازیم.

ماده ۱۲ آئین نامه مقرر داشته: «هرگاه استیفای نفقه و هزینه حضانت در درجه اول از درآمد پدر به تنهایی و در درجه دوم از درآمد مادر به تنهایی دشوار باشد، از درآمد هر دو تأمین خواهد شد.» تفاوت ماده ۱۱۹۹ ق.م. و ماده ۱۲ در دو نکته می‌باشد:

۱- در ماده ۱۱۹۹ نفقه اولاد به ترتیب الاقرب فالاقرب به عهده پدر، جد پدری و مادر است. در حالیکه به موجب مقررات ماده ۱۲ آئین نامه، نفقه و هزینه حضانت در درجه اول به تنهایی به عهده پدر و در درجه دوم به تنهایی به عهده مادر است و در درجه سوم از درآمد هر دو تأمین می‌شود.

۲- در ماده ۱۱۹۹ ق.م. در صورت عدم استطاعت پدر، نفقه به عهده جد پدری است در حالیکه به موجب ماده ۱۲ آئین نامه در صورت عدم استطاعت پدر، به تنهایی به عهده مادر است.

همان طور که قبلاً بیان شد نفقه ابویین در ماده ۱۲۰۰ با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است. چنانکه ملاحظه می‌شود فرزندان دختر و پسر را در یک ردیف آورده‌اند. در این رابطه در فقه دو نظر وجود دارد:

- ۱- فرزندان پسر در انفاق بر پدر و مادر مقدم بر دختران هستند در وجوب
- ۲- فرزندان پسر و دختر به تناسب میراث در این تکلیف شرکت دارند نه به طور مساوی^۱

مبحث دوم: شناسایی افراد واجب النفقه

می‌توان در یک تقسیم بندی کلی افراد واجب النفقه را در سه دسته جای داد و آنها را جداگانه بررسی کرد. دسته اول زوجه می‌باشد که در قانون مدنی و قانون حمایت خانواده به دلیل اهمیت موضوع بسیار به آن پرداخته شده است. دسته دوم کودکان می‌باشند که به خاطر شرایط جسمانی و روحی و عاطفی خاص در شرایطی قرار می‌گیرند که نیاز به توجه بیشتری دارند و نهایت در گروه سوم مابقی اقارب را جای می‌دهیم. هر چند که کودک هم می‌تواند در دسته اقارب قرار گیرد اما به دلیل موقعیت ویژه اش و نتایج ناگواری که عدم توجه و حتی کم توجهی به این دسته در پیش خواهد داشت کودکان را در گروهی جداگانه قرار می‌دهیم.

گفتار اول: زوجه

زنان در شرایط فوق العاده به یک سری امکاناتی نیازمند هستند که بعضاً هم هزینه‌های بالایی دارد و هم نیازمند صرف وقت بسیاری می‌باشد. گاهی اوقات زوجه درگیر بیماری‌های سختی می‌شود مخصوصاً در بعضی بیماری‌ها که در زنان شایع می‌باشد و موجبی جهت هزینه‌های بسیار هنگفت و از بین رفتن زیبایی زوجه می‌شود که تقابل بین از بین رفتن زیبایی زوجه و تمکین و استحقاق نفقه و همچنین هزینه‌های مالی بسیار بالا و داخل کردن این هزینه‌های بالا نیازمند بررسی بیشتر دارد، درمان ناباروری و نازایی زوجین یکی از مسائل همه گیر است که با پیشرفت فن‌آوری نوین در تشخیص و درمان پزشکی، امیدهای جدیدی را در عرصه زندگی انسان امروز گشوده به نحوی که امید به زندگی و همچنین کیفیت زندگی نوع بشر را ارتقا داده است و نقش به سزایی می‌تواند در تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها به دلیل عدم فرزنددار شدن داشته باشد.

۱. امامی اسد... و صفایی، سیدحسین، مختصر حقوق خانواده، نشر میزان، چاپ ۳۹، سال ۱۳۹۰، ص ۲۰۰.

ناباروری از منظر پزشکی اختلالی پیچیده است که جهت شناسایی علت آن به بررسی‌های بسیاری از سیستم بدن نیاز است. روند درمانی یک زوج نابارور از بررسی اولیه آغاز و با اتمام اقدامات تشخیصی و پاراکلینیک ادامه می‌یابد که مسلماً این روند نه تنها آسان نخواهد بود بلکه نیاز به مراجعات مکرر خواهد داشت و جمیع عوامل ذکر شده موجب افزایش هزینه‌های درمانی می‌شود و پرداخت این هزینه‌های کلان برای بسیاری به سختی امکان پذیر است از طرفی در صورت عدم حصول نتیجه می‌تواند به یک معضل اجتماعی تبدیل شود و نهاد مستحکم خانواده را تحت تاثیر قرار دهد و آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق را در پی خواهد داشت.

یک سری نیازهای دیگر در یک شرایط خاص ممکن است برای زوج به وجود آید همچون نیاز به خادم در صورت معلولیت و یا نیاز به تغذیه‌هایی خاص و آموزش‌هایی همچون کلاس‌های زبان خارجی و یا باشگاه‌های ورزشی که با پیشرفت جوامع بشری و بوجود آمدن مسائل جدید بررسی چنین مسائلی نو و مدرنی خالی از فایده نخواهد بود. که سعی می‌نماییم این مسایل را در این کتاب، بررسی نماییم.

گفتار دوم: کودکان

کودکان با نیازهای ویژه یا استثنایی به کودکانی اطلاق می‌شود که به برنامه‌های آموزشی خاص نیازمند هستند و این آموزش، نیازهای یادگیری منحصر به فرد آن‌ها را فراهم می‌کند، عقب افتادگی ذهنی، مشکلات ویژه یادگیری، نارسایی‌های زبان و گفتار، آسیب‌های شنوایی، آسیب‌های بینایی، نارسایی‌های حرکتی شامل ناهنجاری‌های مربوط به اسکلت و عضلات، تاخیرهای تحولی، اوتیسم (در خود ماندگی) و چند معلولیتی می‌تواند کودکان را به کودکان با نیازهای ویژه تبدیل کند.

این کودکان علاوه بر نیازهای عاطفی و احساسی به یک سری آموزش و امکاناتی نیازمند هستند که دارای هزینه‌های بالا می‌باشد. از طرف دیگر با پیشرفت جوامع بشری نسبت به گذشته برای کودکان یکسری امکانات جهت بهره‌مندی و استعدادیابی و حتی تفریحات آن‌ها فراهم شده است که این نیازهای جدید برای داخل دانستن کودک نیازمند بررسی بیشتر است.

گفتار سوم: اقارب

با بررسی زوج و کودکان خاص در بخش اقارب تنها سالمندان و افراد با سن و سال بالا باقی خواهند ماند. سالمند به افرادی تلقی می‌گردد که حداقل ۵۵ سال از عمر آن‌ها گذشته باشد و برخی از این افراد

به دلیل تغییر در سبک زندگی تنهاتر شده‌اند و خانواده ترجیح می‌دهد که آن‌ها را به مراکز نگهداری از سالمندان بسپارند که البته نگهداری در مراکز ذکر شده نیز مشکلات خاص خود را دارد. سالمند نیازمند تغذیه مناسب و خاص خود است و به دلیل اینکه اکثر سالمندان دارای بیماری‌های متعددی هستند روش زندگی آن‌ها با یک فرد عادی متفاوت است. این افراد ممکن است تنها و بدون حمایت فرد دیگر زندگی کنند، پس طبیعی است که نیاز مالی خواهند داشت تا بتوانند از عهده خوراک، پوشاک و هزینه‌های درمان خودشان برآیند. مهمترین نیاز سالمندان سلامتی است چرا که با افزایش سن، بدن به طور طبیعی ضعیف تر شده و کارایی خود را به مرور زمان از دست می‌دهد. سالمندان مستعد بیماری‌های مربوط به کهولت سن هستند، اگرچه مراقبت‌های مناسب و تسهیلات درمانی و پرستاری آن‌ها می‌تواند از این مشکلات بکاهد. سالمندان نیازمند معاینه‌های پزشکی منظم می‌باشند و نیاز به پیشگیری‌هایی جهت بیماری‌های بالقوه آینده دارند، پس تمامی این نیازها ابتدا باید شناخته و معرفی شود و در مرحله بعد داخل دانستن این نیازها در مبحث نفقه، تعیین حد و مرز آن و ایجاد راهکارهایی جهت تامین این نیازها مورد بررسی قرار گیرد.

بخش سوم: فلسفه وجودی نفقه و نیازهای ویژه‌ی زنان

اگر اسلام به مرد حق میداد که زن را در خدمت خود بگمارد و محصول کار و زحمت و بالاخره ثروتی که زن تولید میکند مال خود بداند، علت و فلسفه نفقه دادن مرد به زن روشن بود، زیرا واضح است اگر انسان، حیوان یا انسان دیگری را مورد بهره برداری اقتصادی قرار دهد ناچار است مخارج زندگی او را نیز تأمین کند. اگر گاریچی به اسب خود کاه و جو نهد آن اسب برای او بارکشی نمی‌کند.

اما اسلام چنین حقی برای مرد قائل نیست. به زن حق داد مالک شود. تحصیل ثروت کند و به مرد حق نداده در ثروتی که به او تعلق دارد تصرف کند و در عین حال بر مرد لازم دانسته که بودجه خانواده را تأمین کند، مخارج زن و فرزندان و نوکر و کلفت و مسکن و غیره را بپردازد، پس باید به دنبال دلایل دیگری برای پرداخت نفقه باشیم و پرداخت آن را از لحاظ اجتماعی، روانشناختی و اقتصادی مورد بررسی قرار دهیم.

مبحث اول: چرایی اجتماعی

دلایل زیادی در مورد فلسفه وجود نفقه وجود دارد. زن و مرد از لحاظ نیروی کار و فعالیت‌های خشن تولیدی و اقتصادی مساوی و مشابه آفریده نشده‌اند. اگر بنای بیگانگی باشد و مرد در مقابل زن قد علم کند و هزینه‌های او را نپردازد زن نمی‌تواند با آرامش خاطر نیازهای عاطفی خانواده را فراهم کند. همچنین مسئولیت و رنج و زحمات طاقت فرسای تولید مثل از لحاظ طبیعت به عهده زن گذاشته شده است و این زن است که باید این بیماری ماهانه را تحمل کند و سنگینی دوره بارداری و بیماری مخصوص این دوره را بر عهده گیرد و سختی زایمان و عوارض آن را متحمل شود.

مبحث دوم: چرایی روانشناختی

باقی ماندن جمال و نشاط زن مستلزم آسایش بیشتر، تلاش کمتر و فراغ خاطر افزون تر است. اگر زن مجبور شود همانند مرد دائماً در تلاش و کوشش و در حال دویدن و پول در آوردن باشد غرورش در هم می‌شکند و بدیهی است که آرامش خاطر ندارد، فرصت رسیدن به خود را ندارد و نمی‌تواند وظایف زنانگی خود را به نحو احسن انجام دهد، مصلحت مرد و کانون خانوادگی در این است که زن از تلاش‌های اجباری برای تامین معاش خود که خرد کننده وی می‌باشد معاف باشد، چرا که زنی قادر است کانون خانواده را محل آسایش قرار دهد، که خود به اندازه مرد، خسته و کوفته کار بیرون نباشد. لهذا آسایش و سلامت و نشاط و فراغ خاطر زن برای مرد نیز ارزش فراوان دارد.

مبحث سوم: چرایی اقتصادی

احتیاج زن به پول و ثروت بیشتر از مرد است چون تجمل و ثروت از احتیاجات اصلی اوست در حالی که هزینه مرد از این بابت کمتر است.^۱ تجمل و زینت جزء زندگی زن و از احتیاجات اصلی وی می‌باشد و آنچه یک زن در زندگی معمولی خود خرج تجمل و زینت و خود آرائی خود می‌کند برابر با مخارج چندین مرد است.

این جهت که وظایف طبیعی زن در تولید نسل ایجاد میکند که زن از نقطه نظر مالی و اقتصادی نقطه اتکائی داشته باشد مطلبی نیست که قابل انکار باشد. توانائی کار و کوشش زن برای تحصیل ثروت از مرد کمتر است، اما استهلاک ثروت زن بمراتب از مرد افزونتر است.

۱. روشن، محمد، حقوق خانواده، انتشارات جنگل جاودانه، ۱۳۹۱، ص ۱۰۶

بخش چهارم: بررسی قلمرو نفقه

در این بخش، طی ۲ مبحث به تشریح قلمرو نفقه در فقه امامیه و حقوق مدنی می‌پردازیم.

مبحث اول: قلمرو و اندازه نفقه در فقه امامیه

در بحثی که فقهای امامیه، تحت عنوان کمیت نفقه مطرح کرده‌اند، دو مطلب مورد بحث قرار می‌گیرد: اول: قلمرو نفقه که به تعیین انواع نفقه مانند خوراک، پوشاک، وسایل آرایشی و نظافت و... می‌پردازد. دوم: مقدار و اندازه نفقه که به تعیین اندازه و مقدار انواع نفقه به عنوان نمونه، کیفیت و مقدار پوشاک، می‌پردازد و در واقع ملاک تعیین آن را بررسی می‌نماید.

در مبحث قلمرو نفقه، نظرات فقها متفاوت است و رفته رفته، از محدودیت و قلت، به تنوع و کثرت می‌گراید. فقهای پیشین در کتاب هایشان، موارد نفقه و استثنائات آن را یادآور شده‌اند. به عنوان مثال، شیخ طوسی در المبسوط، موارد چندی را ذکر می‌کند مانند خوراک، لباس، روغنی که به مو می‌مانند، شانه، زیرانداز، پستی و لحاف و از سوی دیگر مواردی را نیز مانند دستمزد طیب استئنا می‌نماید.^۱ محقق حلی، ضابطه‌ای کلی در آنچه زن در زندگی به آن احتیاج دارد را مطرح می‌کند و در شرایع الاسلام در این باره می‌نویسد: «اما ضابطه در اندازه نفقه، تأمین آن چیزی است که زن به آن احتیاج دارد مانند: غذا، لباس، مسکن، خدمتکار، وسیله روغن (وسیله آرایش) که در این موارد از آنچه در زنان مانند اودرمیان اهالی متدوال است تبعیت می‌شود.»^۲

مرحوم محمد حسن نجفی در جواهر الکلام، ضمن طرح ضابطه کلی، موارد استئنا شده در بیان فقهای پیشین را نمی‌پذیرد. ایشان می‌گوید: «اگر مدرک و دلیل در مقدار نفقه، معاشرت به نحو پسندیده و معروف (و عاشروهین بالمعروف) و اطلاق دلیل انفاق باشد صحیح این است که پرداخت هزینه تمام موارد (حتی هزینه دارو و معالجه و اجرت حمام و حجامت) واجب باشد و بلکه چیزهای دیگری که محدود و محصور نیست»^۳

بسیاری از فقهای معاصر نیز بر آنند که زوج باید تمامی احتیاجات حیات زوجه را فراهم کند و اندازه و مقدار خاصی برای نفقه تعیین نکرده‌اند. از جمله آنها، امام خمینی (ره) است که می‌فرماید: «لا تقدیر

۱. مروارید، علی اصغر، سلسله البیان الفقهیه، بیروت، دار التراث الدار الاسلامیه چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق، جلد ۳۸، ص ۳۵۵

۲. همان منبع، ج ۲۱، ص ۶۸۸

۳. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح الشرائع الاسلام، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ج ۱۱، ص ۲۱۷

النَّفَقَةُ شَرْعاً بَلِ الضَّابِطِ الْقِيَامُ بِمَا تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْمَرْأَةُ» در شرع برای نفقه مقدار و اندازه معین نشده بلکه ملاک، برآوردن احتیاجات زن است.^۱ در نتیجه می‌توان گفت با توجه به ملاک وقواعد کلی که برای مصادیق و موضوعات نفقه، ازادله بدست می‌آید، ذکر موارد و مصادیق نفقه را باید با ملاحظه نیازمندی‌ها و احتیاجات زن در شرایط خاص حاکم بر جامعه و با توجه به مقتضیات زمان و مکان و اعتبار دادن به عرف و تعارف جامعه، همان گونه که قرآن توصیه می‌نماید. «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» تعیین کرد.

و اما اینکه فقها برشمول نفقه بر بعضی موارد و عدم شمول آن در موارد دیگر اصرار دارند، از این جهت است که اقتضای متعارف جامعه زمان ایشان همان گونه بوده است، مانند هزینه‌های حمام رفتن که در عرف حاکم بر آن زمان، اختصاص به طبقه خاصی داشته و جزو مخارج اضافی محسوب می‌شد و برخی از فقها صریحاً حمام را از نفقه استثنا می‌کنند ولی معتقدند در صورت نیاز، نفقه شامل آن نیز می‌شود. پس از روشن شدن این مطلب مهم، ما از ذکر جزئی اقوال فقها و اختلافات آنان در مبحث موارد نفقه خودداری کرده بلکه به اختصار مهم ترین موارد نفقه را برمی‌شماریم.

۱- خوراک، منظور از غذا و خوراک هر چیزی که انسان برای ادامه حیات و بقا از آن می‌خورد و یا می‌آشامد که از نظر کمیت و کیفیت باید با شئون زن و عرف و عادت و زمان و مکان وی مناسب باشد و با طبیعت وی نیز سازگار باشد.

۲- پوشاک، منظور از پوشاک هر آن چیزی است که انسان می‌پوشد از لباس، کفش و... برای زندگی لازم است که اندازه، جنس و مقدار بستگی به عرف و عادت محل دارد.

۳- اسباب تنظیف و آرایش مانند شانه، روغن و... و هر آنچه که زن خود را از حالتی که موجب کراهت مرد است خارج کند و مازاد بر آن مانند وسائل تزئینی در صورت تمایل زوج می‌تواند هزینه شود.

۴- مسکن، ملکی یا استیجاری و یا استیجاری که با شئون و احتیاجات زن متناسب باشد.

۵- هزینه دارودرمان، اجرت پزشک و... که زوج در زمان بیماری زن می‌پردازد.

۶- خادم و خدمتکار که در صورت واجب می‌گردد، یا در صورتی که زن عادت به داشتن خادم داشته باشد و یا در صورتی که جهت بیماری و یا نقصان عضو به خادم احتیاج داشته باشد.

در مبحث مقدار و اندازه نفقه و آنچه اندازه نفقه را تعیین می‌کند معیار کلی «معروف» است که در آیاتی مانند «و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف» و آیه «عاشروهن بالمعروف» مطرح می‌شود.

معروف به آنچه از طرف عقل و شرع خوب شناخته شود، اطلاق می‌گردد و متداول در عرف نیز معروف است، زیرا شرع و عقل، (برای نمونه در پوشاک زن) رجوع به عرف و حد متعارف را، تا آنجا که با ملاکات عقل و شرع منافات نداشته باشد، امری مستحسن و خوب می‌شمارند. اما این حد متعارف و معروف نسبت به چه کسی و کجا باید لحاظ شود؟ نسبت به آنچه در جامعه معروف و متعارف است یا نسبت به توانایی مالی فرد (حال زوج) و یا نسبت به شأن و منزلت اجتماعی زن (حال زوجه)؟

برخی از فقها مانند قاضی ابن البراج در المذهب^۱، شیخ طوسی در مبسوط،^۲ و علامه (ره) در قواعد الاحکام^۳، در تعیین مواردی مانند غذا، قوت غالب و متعارف شهر و محل زندگی را مطرح کرده‌اند. در غیر موارد غذا، برخی از فقها معیار را شأن زن و آنچه در زنان همسطح اوست، مطرح کرده‌اند، از جمله، محقق حلی در شرایع الاسلام،^۴ علامه حلی در قواعد الاحکام،^۵ شهید اول در اللمعه دمشقیه^۶، محمد حسن نجفی در جواهر الکلام^۷، امام خمینی در تحریر الوسیله^۸ و آیت الله خویی در منهاج الصالحین^۹ و برخی از فقها از جمله ابن حمزه طوسی در مبسوط^{۱۰}، توانایی مالی مرد را ملاک دانسته‌اند. اما دلایل و استدلال‌هایی که در این باره آورده شده است به این شرح است:

از آن جایی که پوشاک و خوراک در آیات و روایات به زنان منسوب شده (رزقهن و کسوتهن) و به عبارت دیگر، به خوراک و پوشاک آنان تعبیر شده و از آنجا که آنچه زن برای زندگی به آن احتیاج دارد با احتیاجات متعارف و سطح زندگی زن مناسبت دارد بنابراین، معیار و ملاک در معروف و متعارف، همان متعارف زنان هم سطح است و باید شأن زن در نظر گرفته شود.

این امر، درباره زنانی است که شوهرانشان توانایی مالی دارند، اما اگر مرد برتأمین آنچه در شأن زن است، توانایی نداشته باشد، باید در حد توان نیازها و احتیاجات زندگی را برای زن فراهم کند.

۱. به نقل از مروارید، علی اصغر، منبع پیشین، ج ۱۸، ص ۲۰۸

۲. همان منبع، ج ۳۸، ص ۳۵۸

۳. همان منبع، ج ۱۹، ص ۶۶۲

۴. همان منبع، ص ۵۱۹

۵. همان منبع، ص ۶۶۳

۶. همان منبع، ص ۶۶۸

۷. نجفی، محمدحسن، منبع پیشین، ج ۱۱، ص ۲۱۴

۸. موسوی خمینی، روح الله، منبع پیشین، کتاب نکاح، ص ۵۶۴

۹. خویی، سیدابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، انتشارات مدینه العلم، ۱۴۱۰ ه.ق، ج ۲، ص ۲۹۲

۱۰. به نقل از: مروارید، علی اصغر، منبع پیشین، ج ۳۸، ص ۳۵۸

درقرآن کریم نیز دراین باره آمده است:

«لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّن سَعَتِهِ وَمَن قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا»^۱

اینکه خداوند کسی را جز به آنچه به او عطا کرده تکلیف نمی‌کند، تکیه بر وضعیت مالی مرد در نفقه شده به این صورت که می‌توان گفت، نفقه در هر صورت، نسبت به وضعیت مالی مرد تعیین می‌شود و تمکن مالی مرد، مشخص‌کننده قلمرو و مقدار نفقه، خواهد بود. اما در صورت عدم تمکن مالی مرد، به همان مقدار توانایی او بسنده می‌شود و معروف و متعارف در این صورت همان مقداری خواهد بود که برای مانند این زن، با توجه به وضعیت مالی مرد، مقدور است. مؤید این دیدگاه، علاوه بر آیه فوق، روایاتی است که با ذکر کلمه «قوام» حدی بین اسراف و اقتاری یعنی اقتصاد وحد وسط درامرتفاق بیان شده است.

در روایتی از امام رضا (ع)، نقل شده، «عن أبي الحسن (ع) في قول الله عزوجل «والذين اذا انفقوا لم يسرفوا ولهم يفتروا وكان بين ذلك قواما» قال «القوام هو المعروف» «على الموسع قدره وعلى المقتر قدره» علی قدر عیاله و مؤنفته اللتی هی صلاح له ولهم «لا یكلف الله نفسا الا ما ایتها»^۲

که قوام در این روایت به این معناست که بر شخص توانگر به اندازه خود و بر شخص تهی دست به اندازه خود. این روایات، به وضوح، این مطلب را بیان می‌کند که قید متعارف و معروف، با توجه به همین حد توانایی مالی مرد در نظر گرفته می‌شود، چه در غیر این صورت مرد مکلف به چیزی خواهد بود که در حد توان او نیست.

از سوی دیگر راه دیگر برای تعیین ملاک و میزان انفاق در روایات، شأن زن و حال اوست: «علی قدر عیاله و مؤنفته التی هی صلاح له ولهم»

البته ذکر این نکته نیز لازم است که در اینجا موضوع دیگری تحت عنوان «توسعه بر خانواده» وجود دارد که بر اساس آن، حقی را زاید بر آنچه زن شأن آن را دارد، اثبات می‌کند و در واقع توسعه و گشایش ایجاد کردن برای خانواده نیز در دایره حد وسط میان اسراف و اقتار قرار دارد و به حد اسراف نمی‌رسد. گفتنی است که این بحث به طور کلی، در قلمرو و مقدار نفقه مطرح می‌شود و در بخش قلمرو نفقه پس از آنکه

۱. سوره طلاق، آیه ۷

۲. حرعاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، قم، موسسه آل البیت، چاپ اول، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱، باب ۲۷، ابواب نفقات

محدود نبودن انواع نفقه در شرع ثابت شد و جایگاه آن، تحت ضابطه کلی «احتیاجات زن» قرار گرفت، توانایی مالی مرد در تهیه انواع و موارد نفقه تعیین کننده خواهد بود.^۱

مبحث دوم: قلمرو و اندازه نفقه در حقوق مدنی

به موجب ماده ۱۱۰۷ ق.م «نفقه عبارت است از همه‌ی نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج، به واسطه‌ی نقصان یا مرض».

در تفسیر این ماده گفته می‌شود، اموری که به عنوان اجزای نفقه در ماده ۱۱۰۷ آمده، نمونه و مثال است و جنبه انحصاری ندارد. آنچه اهمیت دارد این است که شوهر باید به عنوان ریاست خانواده، تأمین معاش زن و فرزندان خود را عهده دار شود. تحول شیوه زندگی، هرروزه نیازهای تازه به وجود می‌آورد. این نیازها را نمی‌توان در چارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید دآوری را به عهده عرف گذاشت.

برای مثال هزینه‌های درمان و داروی زن نیز جزء نفقه، برعهده مرد است، چنانچه که اگر زنی برای زایمان و یا عمل جراحی مدتی در بیمارستان باشد، هزینه بیمارستان و خریدن داروهای لازم با شوهر است، زیرا عرف این گونه هزینه‌ها را جزء نفقه می‌داند و اتفاقاً ما نیز در این پایان نامه سعی نموده ایم بر همین نیازها بیشتر تکیه نماییم.

بنابراین در تعریف نفقه زن می‌توان گفت: «تمام وسایلی است که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود، بدان نیازمند است» و تشخیص این که کدام وسیله را بایستی از ارکان نفقه زوجه شمرد با عرف است و ملاک ثابتی ندارد.

این تفسیر با اصلاح ماده ۱۱۰۷ ق.م از سوی قانون گذار تأیید شد. هرچند که در ماده ۱۱۰۷ اصلاح شده نیز ملاک تعیین نفقه، وضع زن، قرار داده شده است ولی به نظر می‌رسد که موقعیت و وضع مالی شوهر نیز باید مورد نظر باشد. زیرا زن و شوهر پس از نکاح، یک خانواده را تشکیل می‌دهند و جدای از هم نیستند بنابراین اگر مردی ثروتمند با زنی فقیر ازدواج کند حق ندارد وضع گذشته او را مبنای تعیین نفقه بداند همچنان که اگر زنی ثروتمند با کارگر ساده ازدواج کند نمی‌تواند از او انتظار فراهم کردن زندگی اشرافی داشته باشد. پس باید پذیرفت که مقصود از «وضعیت زن» وضع روحی و جسمی او در خانواده است.

ازمفاد ماده ۱۲ قانون قدیم حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ نیز می‌توان لزوم توجه به وضع مالی و اجتماعی طرفین را استنباط کرد زیرا به موجب آن: «... دادگاه... میزان نفقه ایام عده را، با توجه به وضع اخلاقی و مالی طرفین .. معین می‌کند...»^۱

بخش پنجم: ماهیت نفقه و نیازهای ویژه‌ی زنان

منظور از ماهیت نفقه این است که بررسی شود که آنچه زن از شوهر به عنوان نفقه دریافت می‌کند مالک آن می‌شود یا اذن در انتفاع به زن داده می‌شود و صرفاً زن می‌تواند از آن استیفاء کند؟ زیرا هر کدام از این دو، آثاری دارد. چرا که اگر قائل به مالکیت زن باشیم زن می‌تواند هر نوع تصرف مالکانه از جمله هبه، بیع و ... را در آن چیزی که به عنوان نفقه از مرد دریافت می‌کند انجام و در غیر اینصورت و با قائل بودن به اذن در انتفاع بدون اجازه صاحب مال نمی‌تواند همچنین تصرفاتی را انجام دهد.

مبحث اول: مالکیت

باید خاطر نشان ساخت که برای پی بردن به ماهیت نفقه باید به عرف و عادت‌ی که در جامعه وجود دارد و همچنین به قصد و اراده مرد توجه کرد.

نفقه زن برای اعاشه زندگانی او است. لذا باید قبل از وقت احتیاج آماده باشد تا زن در موقع مناسب بتواند از آن بهره‌مند گردد. اشیایی که شوهر به عنوان نفقه به زن خود می‌دهد مختلف است بعضی را شوهر در اختیار او می‌گذارد تا از آن متنفع گردد مانند مسکن، فرش و امثال آن و بعضی را به او می‌دهد تا مصرف نماید از قبیل خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها. لذا نحوه رابطه حقوقی زن نسبت به آن متفاوت است.^۲

به طور کلی برای پاسخ به این پرسش در مورد ماهیت نفقه زن باید به اراده شوهر، عرف و عادت رجوع کرد و میان اموال مصرف شدنی و بدون قابلیت بقا و اموال با قابلیت بقا همراه با انتفاع تفاوت گذارد.^۳ در مورد اموال مصرف شدنی باید قطعاً قائل به مالکیت بود زیرا حق انتفاع در این اموال از مالکیت، جدا شدنی نیست و باید زوجه را مالک این اموال تلقی کرد. بنابراین در صورت صرفه جویی و نگه داشتن

۱. کاتوزیان، ناصر، منبع پیشین، صص ۱۷۴-۱۷۳

۲. امامی، سیدحسن، منبع پیشین، ج ۵ ص ۵۰۶

۳. روشن، محمد، منبع پیشین، ص ۱۱۲

مقداری از آن‌ها وی می‌تواند هر نوع تصرفی در آن داشته باشد و منظور فقط اموالی است که برای مصرف زوجه در اختیار او قرار گرفته باشد و نمی‌تواند تصرف مالکانه در اموالی نماید که برای مصرف اولاد یا پس انداز به او سپرده شده است و در این موارد زوجه امین شوهر محسوب می‌شود.

مبحث دوم: اذن در انتفاع

در خصوص اموالی که قابلیت بقا دارند و اصطلاحاً مصرف نشدنی خوانده می‌شوند با توجه به عرف و عادت و اراده مرد وضعیت همگی آن‌ها یکسان نیست. در خصوص مسکن و اثاث خانه، زوجه اذن در انتفاع دارد و به ملکیت زن در نمی‌آید و زوجه باید در مصرف این اموال جانب عرف و مصلحت خانواده را در نظر داشته باشد در غیر این صورت موجب ضمان و مسئولیت مدنی او می‌باشد.^۱ در خصوص اموالی همچون البسه، مالک آن‌ها می‌شود و می‌تواند تصرفات مالکانه داشته باشد. هر چند که فقها در این زمینه با یکدیگر اختلاف دارند.

باید اضافه نمود که اگر زن مالک این اشیا گردد نمی‌تواند به طور متعارف و به زیان شوهر در آن تصرف کند، مثلاً لباسی که شوهر تازه برای او خریده است را به دیگری بخشد و یا پاره کند، اگر این کار را انجام دهد موجب مسئولیت مدنی برای وی می‌گردد.

بخش نهم: نیازهای ویژه جهت نفقه زنان

در این بخش سعی می‌نماییم مسایل روز را در پرداخت نفقه با عناوینی جداگانه به عنوان مهمترین این نیازهای ویژه توضیح دهیم. در این میان البته اهمیت ویژه برای نیازهای بهداشتی و درمانی قائل گشته ایم و پیرامون آن به تفصیل سخن خواهیم راند. لازم به توضیح است که به دلیل اینکه در باب خوراک و پوشاک و... در تحقیقات پیشین همواره مطالب فراوانی ارائه گشته است لذا ما در این تحقیق جهت پرهیز از ارائه مطالب تکراری و اطاله کلام تنها به توضیحاتی بسیار مختصر در مورد آنها اکتفا نموده و آن موارد را در غالب نیازهای سنتی بیان می‌نماییم و بیشتر مطالب ارائه شده در این بخش را در حیطه مسائل جدیدتر ذکر خواهیم نمود که آنها را تحت عنوان نیازهای ویژه و مدرن مطرح می‌کنیم. در نتیجه این بخش شامل ۲ مبحث کلی است.

مبحث اول: نیازهای سنتی و رایج

در این مبحث با اشاره به ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، موارد سنتی و رایج تر پرداخت نفقه ذکر می‌شود. نکته اینکه طبق ماده‌ی ۱۱۰۷ ق.م.سابق ایران وماده‌ی ۹ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۴ مسکن، البسه، غذا واثاث البیت درحد متعارف که مناسب با وضعیت زن باشد، وخادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه‌ی مرض یا نقصان اعضا از مصادیق نفقه بوده است. مساله‌ی قابل توجه این است که آیا آن چه درمواد مذکور نام برده شده، جنبه‌ی حصری، یا جنبه تمثیلی دارد؟

با توجه به متن ونحوه‌ی بیان مواد اشاره شده فقط مسکن، پوشاک، خوراک واثاث خانه وخدمتگزار در صورت نیاز جزء نفقه زوج دائمی بوده واز سایر هزینه‌ها نظیر هزینه دارو ودرمان، آرایش وشستشو، سخنی به میان نیامده بود وبا این ترتیب ظاهراً موارد اشاره شده جنبه‌ی حصری داشته است که نظر عده‌ای از فقهای امامیه نیز همین بوده است. حتی برخی تا این حد پیش رفته اند که هزینه‌ی زایمان ومعالجات ضروری را نیز جزء نفقه ندانسته اند. به هر جهت قبول این نظر برخلاف عرف جامعه ومصلحت خانواده می‌نمود وبا ذوق سلیم نیز سازگار نبود. البته بعضی از فقهای امامیه از جمله شیخ محمد حسن نجفی صاحب جواهر الکلام^۱ وشهید ثانی صاحب مسالک الافهام، معتقد بودند که هر چیزی که برحسب متعارف مورد احتیاج زن باشد جزء نفقه بوده وتبیه‌ی آنها تکلیف شوهر است.^۲

ماده‌ی ۱۱۰۷ ق.م. با توجه به ابهامات واختلاف نظرها در سال ۱۳۸۱ اصلاح شد ونفقه‌ی زوج را شامل کلیه نیازهای متعارف ومتناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه وغذا واثاث منزل وهزینه‌های درمانی وبهداشتی وخادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرض دانسته است.

مهمترین سئوالی که مطرح می‌شود این است که ماده جدید چه تفاوتی با ماده قدیمی دارد؟ تفاوت ماده‌ی اصلاحی با ماده‌ی قبلی این است که از طرفی با استفاده از کلمات «از قبیل» به حصری نبودن موارد اشاره شده در قانون تصریح شده است واز طرفی دیگر «هزینه‌های درمانی وبهداشتی» به نیازهای مذکور در ماده‌ی قبلی افزوده شده است «باتوجه به ماده‌ی ۱۱۰۷ قدیم وماده‌ی اصلاحی جدید ملاحظه می‌شود که معیار استحقاق زوج‌ه‌ی دائمی در زمینه‌ی نفقه نیازهای متعارف ومتناسب با وضعیت زن است و وضعیت شوهر در این معیار ظاهراً نقشی ندارد.

۱. نجفی، محمد حسن، منبع پیشین، ج ۳۱، ص ۳۳۲ به بعد

۲. شهید ثانی، مسالک الافهام فی شرح الشرایع الاسلام، قم، موسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۶، ه.ق، ج ۱، ص ۵۳۳ به بعد

همچنین در خصوص تمثیلی بودن ماده مطروحه باید اذعان داشت که با توجه به پیشرفت‌ها و تغییر و تحولاتی که در زندگی انسان و به ویژه در نیازهای نوع بشر به وقوع می‌پیوندد این نیازها را نمی‌توان در قالب موارد محصور گنجانده.

به قول یکی از حقوقدانان^۱: آنچه اهمیت دارد این است که شوهر باید به عنوان ریاست خانواده تأمین معاش زن و فرزندان خود را عهده دار شود. تحول شیوه زندگی هر روز نیازهای تازه بوجود می‌آورد. این نیازها را نمی‌توان در چهارچوب معینی محصور کرد و ناچار باید داوری را به عرف گذارد. بنابراین در تعریف نفقه می‌توان گفت تمام وسایلی می‌باشد که زن با توجه به درجه تمدن و محیط زندگی و وضع جسمی و روحی خود بدان نیازمند است و تشخیص اینکه کدام وسیله را بایستی از ارکان نفقه زوجه شمرد با عرف است و ملاک ثابتی ندارد. همین حقوقدان از نص قرآن مجید که فرموده است «عاشروهن بالمعروف» چنین نتیجه گرفته که انفاق بر زوجه باید چنان باشد که عادتاً سزاوار اوست.

آقای دکتر سید مصطفی محقق داماد به نقل از کتب فقهی، نفقه را در هشت دسته طبقه بندی نموده از جمله نان و خورش، لباس، فراش، وسائل طبخ، وسائل تنظیف و آرایش، مسکن و خدمتکار. اما با اینحال در انتها تذکر می‌دهند که نفقه اختصاص به امور هشتگانه فوق‌الذکر نداشته و اگر نیازهای دیگری هم وجود داشته باشد جزو نفقه محسوب خواهد شد.^۲

پس به طور کلی می‌توان گفت منظور از نفقه زوجه آن چیزی است که زن برای گذران زندگی به آن نیاز دارد و تشخیص این نیاز توسط عرف رایج در جامعه صورت می‌گیرد و همچنین وضعیت و شخصیت زن نیز تا حدی باید مورد توجه قرار گیرد و با اینکه این نظر غالب فقها و حقوقدانان^۳ بوده اما در مورد داخل شدن برخی موارد در شمول نفقه از جمله هزینه حمام، هزینه دارو و معالجه و... اختلاف نظر وجود دارد.

با وجود این اختلاف نظرها، اما در مورد برخی دیگر از مصادیق نفقه میان حقوقدانان و فقهای مذاهب اهل سنت و امامیه هیچ‌گونه اختلاف نظری وجود ندارد، مثلاً در مورد خوراک، پوشاک و مسکن هیچ فقیهی

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، خانواده، منبع پیشین، ج ۱، ص ۱۸۷

۲. محقق داماد، سید مصطفی، منبع پیشین، صص ۲۹۰ و ۲۹۱.

۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، ص ۱۷۲ و همچنین حضرت امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله فصل نفقه ص ۵۶۱ جلد سوم چنین می‌فرماید: «نفقه شرعاً اندازه ای ندارد بلکه قاعده این است که آنچه زن احتیاج به آن دارد از قبیل غذا و خورش و پوشش و فرش و پرده و سکونت دادن و خادم داشتن و وسایلی که به آشامیدن و پختن و نظافتش و غیر اینها به آنها نیاز دارد قیام نماید»، همچنین: شیخ الاسلامی، سید اسعد، منبع پیشین، ص ۱۶۰ و امامی، سید حسن، منبع پیشین، ج ۵، ص ۲۳۸

را نمی‌یابیم که دروجوب آن‌ها شک کرده باشد و مصادیقی که در اکثر کتب فقهی برای نفقه ذکر شده است خوراک، پوشاک، مسکن، ملحفه و فراش، خادم و لوازم نظافت است.

مبحث دوم: نیازهای مدرن و ویژه

منظور از انتخاب این عنوان این است که، بر اساس اقتضات زمانی و پیشرفتهایی که در جوامع امروزی حاصل شده و به تبع آن بنیان خانواده نیز دچار دگرگونی‌های اساسی شده است و در اصطلاح، زندگی‌های امروزی به سمت ماشینی‌زم حرکت کرده، قطعاً دیگر نمی‌توان مصادیق نفقه را تنها شامل موارد سنتی مانند مسکن و خادم و خوراک و... دانست. بلکه به دلیل افزایش امکانات اجتماعی و پیشرفتهای حاصله باید پذیرفت که سطح توقع همسران از زندگی به نسبت گذشته بالاتر رفته است و به موازات آن باید عناوینی جدیدتر و مدرنتر را بر حسب نیازهای ویژه امروزی برای نفقه زوجه در درجه اول و سپس سایر افراد واجب النفقه در صورت تمکن و اقتضاء در نظر گرفت. بنابراین ما نیز در این مبحث از بخش حاضر، تلاش داریم تا این عناوین را در خور زمان حاضر بررسی نموده و طرح مبحث نماییم. اما از آنجا که یکی از مشکلات جوامع امروزی که حاصل زندگی‌های پر از استرس و به اصطلاح مدرن شهری می‌باشد دست و پنجه نرم کردن با انواع بیماری‌های جسمی و روانی است، این سؤال پیش می‌آید که نفقه زوجه تا چه حدی باید هزینه‌های بیماری و درمان را پوشش دهد؟ نتیجتاً این که به دلیل اهمیت این موضوع و اختلافاتی که میان فقها در خصوص شمول نفقه بر هزینه‌های فوق وجود دارد تصمیم گرفتیم یک گفتار را به طور جداگانه به مقوله هزینه‌های درمان زوجه اختصاص داده و در گفتار دیگر تحت عنوان هزینه‌های زایمان به بررسی هزینه‌های فوق پردازیم. در سومین گفتار هزینه عمل زیبایی را بررسی نمودیم. بنابراین، مبحث پیش رو شامل ۳ گفتار و چند بند می‌باشد.

گفتار اول: هزینه‌های درمان و معالجه

با توجه به طبیعت هر انسان و اینکه بیماری در کمین اوست یکی از نیازهای هر شخصی، نیاز به دارو و مراجعه به پزشک است. البته بیماری نیز مصادیق گوناگونی دارد، برخی از بیماریها با صرف هزینه‌های کم قابل درمان است و اکثر افراد به آن مبتلا می‌شوند. در مقابل بیماریهای صعب‌العلاجی وجود دارد که با وجود پیشرفت علم پزشکی تا حدودی قابل درمان است ولی نیازمند پرداخت هزینه‌های هنگفتی است. لازم به توضیح است که، مسأله‌ی دارو و درمان در زمان حاضر، فراتر از بررسی یک بیماری و ارائه‌ی درمان آن و پرداخت هزینه‌های آن است. مسائل روز پزشکی تا حدی پیش رفته‌اند که لزوماً نیاز

نیست که بیمار باشی و به پزشک مراجعه کنی بلکه برای یک فرد سالم و محتاط که تمایل دارد از بروز بیماری‌ها هم پیشگیری کند مراجعه به پزشک لازم و ضروری است. در بعضی موارد حتی اگر خود فرد در پی چنین عملکردی نباشد، محیط افراد و قوانین جامعه او را وادار به چنین عملی می‌کنند. برای مثال انواع واکسیناسیون‌ها که همه‌ی افراد موظفند، در سنین خاصی یا در دوره‌های خاص زندگی خود، آنها را تزریق کنند.

مسائل پزشکی یا دارو و درمان به قدری اهمیت پیدا کرده است که حتی دولت‌ها حاضر به تقبل بعضی از هزینه‌های سلامت هستند. در این بین مسائلی هم رشد کرده که گاهی اوقات فقط جنبه‌ی ظاهری آن مربوط به بخش سلامت و دارو و درمان است.

از جمله‌ی آنها انواع مختلف عمل‌های زیبایی و پورتزهای مختلف است. مسائلی که امروزه نمود و ظهور پر رنگی در جامعه و خصوصاً در بین خانم‌ها پیدا کرده‌اند. گرچه ظاهراً بیشتر کارکرد عمل‌های زیبایی خارج از مسائل ضروری است، اما واقعیت این است که هدف از خلق چنین پدیده‌هایی رفع نیاز افراد آسیب دیده، ناقص‌العضو و یا هر کس که به شکلی نیازمند ترمیم چهره یا عضوی از بدن خویش بوده؛ یعنی در واقع این درمان‌ها هم جنبه‌ی اضطرار دارند و هم جنبه‌ی غیر اضطراری، بدین شکل که بعضی افراد علاوه بر سلامت کامل جسم و فقط به جهت خلق زیبایی بیشتر اقدام به عمل‌های زیبایی می‌کنند و بعضی هم بر اثر سانحه‌ای که بر آنها عارض شده و دچار نقص عضو یا آسیب دیدگی شدید اعضا و جوارح شده‌اند، ناچاراً رو به این شیوه‌های درمانی می‌آورند.

بعضی از آنچه که امروزه در جامعه وجود دارد و مشتری کمی هم ندارد عبارتند از: جراحی زیبایی لاله گوش، عمل جراحی زیبایی پلک‌ها، لیفتینگ صورت، لیفت ابرو و پیشانی، جلو آوردن چانه، جراحی زیبایی بینی، تزریق ژل، تزریق بوتاکس، لیپوساکشن، تامی تاک، میکرودرم، لیزر و بسیاری موارد دیگر که امروزه در مقوله‌ی درمان مطرح است.

خیلی از پیشرفته‌های روز علمی - پزشکی مسائلی است که قبلاً هیچ موضوعیتی در زندگی‌ها نداشته است. همانطور که گفتیم تمامی مسائل پزشکی با سلامتی ارتباط مستقیم دارند و هیچ کدام خالی از بحث درمان نیست.

اما آنچه در مسأله، مناقشه ایجاد می‌کند چند وجهی بودن استفاده از درمان‌های روز است. یعنی بعضی از این مسائل جنبه‌ای کاملاً غیر ضروری دارند و صرف زیبایی بیشتر مورد استفاده و توجه قرار می‌گیرند که در این صورت به صراحت می‌توان گفت که از مبحث نیاز ضروری خارج شده و مازاد بر

نیاز قلمداد می‌شوند. در واقع این مبحث، مبحثی دو وجهی است که به ضروری و غیر ضروری تقسیم می‌شود. ضروری از آن جهت که در صورت بروز هرگونه سانحه‌ای برای افراد این توانایی وجود دارد که رفع عیب یا نقص شود. که در این صورت این درمان جزء ضروری‌ترین مسائل برای فرد سانحه دیده است. و یا وجود عارضه‌ای مادر زادی در افراد، این نوع درمان را در حیطه‌ی ضروریات می‌برد مانند افرادی که فک تحتانی آنها کوچکتر از فک فوقانی است یا زائیده‌ای بر روی پلک یا بینی وجود دارد که مانعی برای عملکرد طبیعی این اعضا می‌باشد.

اما در صورت فقدان چنین مواردی و در عین سلامت جسم و فقط برای بیشتر کردن زیبایی به سراغ چنین عمل‌هایی رفتن خارج از ضروریات پزشکی و عرفی است. به هر حال با توجه به موارد گفته شده، امروزه هزینه‌ی تشخیص و درمان بیماریها به گونه‌ای است که دخالت دولت در آن ضروری است و نقش شرکتهای بیمه‌ای را نمی‌توان در امور مربوط به درمان نادیده گرفت، اما در این مورد نمی‌توان به طور کامل متکی به این نهادها بود و پرداخت بخشی از این هزینه‌ها بر عهده‌ی خود شخص است.

در ارتباط با موضوع این فصل از کتاب پیش رو آن چه مهم است این است که، از آنجا که زن پس از ازدواج مسئول پرداخت هزینه‌ی زندگی خود نیست و نفقه‌ی او از وظایف شوهر است این سوال مطرح می‌شود که چه کسی مسئول پرداخت هزینه‌های درمانی زن است؟

در برخی از کتب فقهی در ذیل باب نفقه در مورد اینگونه هزینه‌ها و اینکه پرداخت آن بر چه کسی واجب است بحث شده است، اما فقها در مورد آن نظر یکسانی را ارائه نداده‌اند. به طور کلی در مورد اینکه پرداخت هزینه‌های بیماری زن بر عهده‌ی چه کسی است هم مخالفین و هم موافقانی وجود دارد. در این گفتار ابتدا نظر مخالفین و موافقان را درج می‌نماییم و سپس به نقش عرف در موضوع مطروحه و پاسخ عرف به هزینه‌های درمان اشاره می‌نماییم.

بند اول: نظریات مخالفان

این نظریه توسط برخی از فقهای امامیه و اغلب فقهای اهل سنت^۱ پذیرفته شده است. ولی باید توجه داشت که مخارج درمان زن و غذای زمان بیماری، دو مقوله‌ی جدا از هم است و عدم پرداخت این هزینه‌ها باعث نمی‌شود غذای این مدت نیز از عهده‌ی زوج ساقط شود، بلکه تأمین غذای زوجه

۱. ابن قدامه، منبع پیشین، ج ۹، ص ۲۳۵

همچنان بر زوج لازم است و از آنجا که غذای زن به ملکیت او در می‌آید، می‌تواند آن را صرف هزینه‌های درمانی خود و کارهایی از این قبیل کند.^۱

از بارزترین مخالفان پرداخت هزینه‌های درمان به عنوان نفقه می‌توان به شیخ طوسی از بزرگترین فقهای امامیه اشاره نمود.^۲ وی تصریح کرده است که در هنگام بیماری زن، هزینه دارو و درمان بر مرد واجب نیست: «جرت طیب و حجامت و هزینه درمان بر عهده مرد نیست»

اما وی در همین کتاب المبسوط و اندکی پیش از این صفحات حکم داده است که اگر عرف، خادم گرفتن برای زوجه بیمار را ضروری تشخیص دهد، بر مرد واجب است که برای همسر بیمارش خادم بگیرد، ولو این که به حکم عرف، خادم گرفتن برای آن زن در زمان صحت، واجب نباشد.

سؤالی که در این جا به ذهن خطور می‌کند، این است که چرا خادم گرفتن برای زن بیمار بر مرد واجب دانسته شده است، اما هزینه درمان نه؟ آیا از نظر منطقی پرداخت هزینه درمان مهم تر از خادم گرفتن برای زن بیمار نیست؟ به نظرمی رسد، پرداخت هزینه‌های درمان زن، مهم تر از خادم گرفتن است و وقتی خادم گرفتن را برخی از فقها به صراحت واجب دانسته اند، پرداخت هزینه‌های درمان به طریق اولی باید واجب باشد.

یکی دیگر از مخالفین شمول عنوان نفقه بر هزینه‌های دارو و درمان محقق قمی است. محقق قمی در جامع الشتات چنین آورده است: ^۳ «ظاهر این است که قیمت دوا بر زوج لازم نیست و این داخل نفقه نیست» این گروه از فقها بر این باورند که در کتاب و سنت صحبتی از هزینه‌های درمانی زوجه نشده است و دلیلی بر وجوب پرداخت آن وجود ندارد. ادله‌ای که بر وجوب نفقه دلالت می‌کند^۴ نیز قابل تعمیم نیستند و فقط شامل خوراک و پوشاک می‌شوند. سفارش به رعایت متعارف در قرآن،^۵ تنها جنبه‌ی اخلاقی داشته و از نظر قانونی حجیتی ندارد.

۱. خطیب شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۷ه.ق، ج ۳، ص ۴۳۱؛ نووی، المجموع، ج ۶ ص ۴۵۹

۲. الطوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن علی، معروف به (شیخ طوسی)، المسبوط فی الفقه الامامیه، مکتب المرتضویه لاحیا آثار الجعفریه، تهران، ۱۳۸۷ه.ق، ج ۶ ص ۸

۳. محقق قمی، منبع پیشین، ص ۴۴۸.

۴. «... و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف...» بقره ۲۳۳؛ انفق علیها ما یقیم ظهورها مع کسوه و الا فرق بینهما»

۵. «... و عاشروهن بالمعروف...» نساء ۱۹

همچنین برخی از آیاتی که به آنها تمسک شده^۱ به قرینه‌ی آیه‌ی قبل از آن، در مقام بیان نفقه‌ی زن مطلقه است و نمی‌توان به اطلاق آن تمسک کرد.^۲ از طرفی بیماری دائماً به سراغ انسان نمی‌آید و مخارج آن همیشگی نیست، بلکه از جمله اموری است که در برخی مواقع به آن نیاز است. بنابراین نمی‌توان آن را جزء نفقه دانست.^۳

آنها اعتقاد دارند هدف اصلی از پرداخت هزینه‌های معالجه‌ی زن، سالم ماندن او است، در حالی که زوج مانند مستأجر است، همانگونه که بر مستأجر پرداخت هزینه‌ی بازسازی ساختمان لازم نیست بر شوهر نیز پرداخت هزینه‌های درمانی زوجه لازم نیست،^۴ اما تهیه‌ی لوازم آرایشی مانند پودرهای آرایشی و شانه به این دلیل که برای استمتاع است بر خلاف هزینه‌های درمان، داخل در نفقه زوجه است.^۵

بر همین اساس پرداخت مخارج معالجه‌ی زوجه در جایی که برای رفع بوی بد از بدن زوجه است، توسط شوهر لازم است.^۶ حجامت کردن زوجه نیز برای درمان و معالجه صورت می‌گیرد و به منظور حفظ سلامتی است و تهیه‌ی مخارج آن وظیفه‌ی شوهر نیست.^۷

در نقدی بر این دلیل باید یادآور شد که ارزش و جایگاه زن در خانه بسیار بالاتر از آن است که آن را تنها مانند یک وسیله دانست و با خانه‌ای که شخص آن را اجاره کرده، قیاس کرد. پیامبر اکرم (ص) در روایات متعدد و در موارد مختلفی به جایگاه والای زن در زندگی اشاره کرده‌اند.^۸

هر چند بر اساس این نظریه، زوج هیچ‌گونه مسئولیتی در مورد مخارج معالجه‌ی زوجه ندارد، ولی با این وجود می‌تواند همسر خود را از خوردن سموم و غذاهای بیماری‌زا منع کند.^۹

زیرا این کار از طرفی نهی از منکر است و از طرف دیگر ممانع از تفویض بضع می‌شود و از آنجا که تفویض بضع حق مرد است می‌تواند همسر خود را از آن چیزهایی که مانع از استمتاع جنسی است منع

۱. «لینفق ذو سعه من سعه و من قدر علیه رزقه ...» طلاق، ۷.

۲. حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، موسسه دارالتفسیر، قم، ۱۴۱۶ هـ.ق. چاپ اول، ج ۱۲، ص ۳۰۱.

۳. ابن عبدالعزیز، محمد، فتاوی‌الاسلامیه، لوح فشرده مکتبه الشامله، ج ۳، ص ۱۴۹.

۴. ابن قدامه، منبع پیشین، ص ۲۳۵.

۵. ماوردی، الحاوی الکبیر، دار الکتب العلمیه، بیروت، لبنان، الطبعة الأولى، ۱۴۱۹ هـ.ق - ۱۹۹۹ م، ج ۱۱، ص ۹۸۶.

۶. ابواسحاق، ابراهیم ابن علی، المهذب، لوح فشرده مکتبه الشامله، ص ۱۵۰.

۷. ابن عابدین، محمد امین، حاشیه رد المختار، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۶۳۳.

۸. حر عاملی، منبع پیشین، ج ۲، ص ۱۴۵.

۹. علامه حلی، قواعد الاحکام، منبع پیشین، ج ۳، ص ۱۰۵.

کند.^۱ از دلیلی که در این مورد ارائه شد می‌توان فهمید منظور از غذاهای بیماری‌زا، هر نوع غذایی که برای زن ضرر دارد نیست، بلکه مراد غذاهایی است که باعث سرد مزاجی و کاهش میل جنسی زن می‌شود.

بند دوم: نظریات موافقان

جمعی از فقها بر این باورند که هزینه های دارویی و درمانی زوجه در نفقه ی او داخل بوده و پرداخت آن بر عهده ی زوج است.^۲

فقها در کنار بیان این نظر به دلایلی تمسک کرده‌اند. همانطور که قبلاً اشاره شد در قرآن کریم آیات متفاوتی در مورد انفاق به زوجه و چگونگی معاشرت با او وجود دارد. اما در هیچ یک از این آیات در مورد جزئیات نفقه بحث نشده است. از اطلاق این آیات چنین برداشت می‌شود که همه‌ی نیازمندیهای زن داخل در نفقه است.^۳ یکی از آیات، آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره است.^۴

مراد از رزق در آیه، آن چیزی است که برای حفظ روح است و درمان و معالجه ی بیماری نیز به منظور حفظ روح صورت می‌گیرد.^۵ علاوه بر این در قرآن در کنار انفاق و معاشرت با زوجه، صحبت از معروف شده است.^۶ معروف نیز شامل تمام آن چیزهایی می‌شود که بین زن و شوهر متعارف است.^۷

فقها روایاتی را که در مورد الزام به پرداخت نفقه ی زوجه وجود دارد به عنوان دلیل وجوب پرداخت هزینه های درمان مورد استناد قرار داده‌اند. یکی از روایات، روایت صحیح ربعی و فضیل از امام صادق (ع) است. این روایت به دو صورت آمده است، یکی با لفظ «ما یقیم ظهرها»^۸ و دیگری با لفظ «ما یقیم صلبها»

۱. فاضل هندی، منبع پیشین، ج ۷، ص ۵۶۸.

۲. حکیم، منبع پیشین، ج ۲، ص ۳۰۳.

۳. روحانی، سیدصادق، فقه الصادق، ۲۶جلد، دارالکتاب، مدرسه امام صادق علیه السلام، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق.ج ۲۲، ص ۳۱۴.

۴. «... و علی المولود له رزقهن و کسوتهن بالمعروف...»

۵. سید سابق، فقه السنه، دارالکتاب العربی، بیروت، بی تا، ج ۲، ص ۱۷۵.

۶. «... فأمساک بمعروف...» بقره ۲۲۹.

۷. طباطبایی قمی، سیدتقی، مبانی منهج الصالحین، قم، منشورات قلم الشرق، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۹۲.

۸. حر عاملی، منبع پیشین، ج ۲۱، ص ۵۰۹.